

تحلیل کیفی دلایل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه با رویکرد گراند تئوری

© دکتر محسن نیازی^۱© دکتر محمد سلیمان نژاد^۲

چکیده:

در سالهای اخیر موضوع انتخاب رشته برای دانش آموزان دوره متوسطه دوم به دغدغه اصلی خانواده‌ها، نظام آموزش و پرورش و دانش آموزان تبدیل شده است. از این رو هدف اصلی این پژوهش، شناسایی دلایل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان است. ملاحظات نظری پژوهش براساس دیدگاه جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت تدوین شده است. این پژوهش به روش کیفی و رویکرد گراند تئوری بوده است. روش نمونه‌گیری هدفمند و با راهبرد نمونه‌گیری نظری انجام شده و روش گردآوری داده‌ها نیز مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته بوده که با ۲۵ نفر از متخصصان انتخاب رشته و حوزه تعلیم و تربیت استان ایلام صورت گرفته است. یافته‌ها متشکل از ۴۹ کد مفهومی و ده مقوله اصلی شامل ترجیحات شغلی، علائق آموزشی، الگوپذیری از گروههای مرجع، هدایت تحصیلی، فشار والدین، استطاعت مالی، پنداشت از توانمندی شخصی، آینده‌نگری آموزشی، ارتقای سرمایه فرهنگی و عقبه فرهنگی است که پدیده اصلی پژوهش با توجه به مقولات شکل گرفته «پنداشت از انتخاب رشته به مثابه آفریننده سرمایه» نام‌گذاری شده است. افراد از طریق جریان جامعه‌پذیری؛ باورها، ارزشها، هنجارها و مهارتهای زندگی و شغلی را در وجود خود درونی می‌سازند و هویتی متمایز در زندگی اجتماعی برای خویش رقم می‌زنند که نقش آموزش و پرورش در میان عاملان جامعه‌پذیری برجسته است. چون انتخاب رشته و تحصیل برای فرد نوعی سرمایه تلقی می‌شود و با زندگی و هستی فرد سروکار دارد، بنابراین انتخاب رشته مناسب و ادامه تحصیل برای دانش آموزان مانند سرمایه‌ای است که در همه برهه‌های زندگی سبب تعالی و شکوفایی آنها می‌شود.

کلید واژگان: پنداشت از انتخاب رشته، ترجیحات شغلی، علائق آموزشی، سرمایه فرهنگی، عقبه فرهنگی، درماندگی تحصیلی

☑ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۲۰

☑ تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۳۱

niazim@kashanu.ac.ir

۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان

msdt59@yahoo.com

۲. (نویسنده مسئول) دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان البرز

■ بیان مسأله

یکی از مسائل مهم در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، بحث موفقیت تحصیلی و تجارب آموزشی براساس علایق، ذخیره‌های دانشی و تجارب یادگیری با توجه به موقعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده‌ها و دانش‌آموزان است. در این میان مسأله مهم و سرنوشت‌ساز انتخاب رشته تحصیلی در دوران دبیرستان بر مبنای عواملی که ذکر شد انجام می‌شود. راهنمایی و هدایت تحصیلی را به‌عنوان فرایند کمک به دانش‌آموزان برای انتخاب رشته تحصیلی مناسب براساس شناخت استعدادها و تواناییهای خود و امکانات و شرایط محیطی تعریف کرده‌اند (نویدی، ۱۳۹۷).

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای جوامع به‌شمار می‌آید. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها از آموزش و پرورش توانمند و کارآمد برخوردار بوده‌اند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، آموزش و پرورش عبارت است از آماده‌سازی نسل بالغ امروزی برای تربیت فردا (علاقه‌بند، ۱۳۹۳). اهمیت آموزش و پرورش ناشی از گسترش کارکردهای آن است که به‌طور روزافزونی در کانون توجه جامعه قرار گرفته است. در یک آموزش و پرورش پویا و کارآمد، نیروی انسانی به درستی و با توجه به اهداف، تربیت می‌شود. در این گونه نهادهای موفق؛ نیازها، تواناییها و استعدادها دانش‌آموزان منطبق با موازین علمی و با برنامه‌های منظم، شناسایی و شکوفا می‌گردد (گات لیب^۱، ۲۰۰۶؛ به نقل از امین بیدختی و دارائی، ۱۳۹۰). در ایران از زمان آغاز تأسیس مدارس، دوره متوسطه همواره با تغییر و تحولاتی در ساختار و محتوا مواجه بوده است که آخرین آن مربوط به سال ۱۳۹۰ و اجرای طرح تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش به شیوه جدید ۳-۶ است. در این طرح، نظام آموزشی به دو دوره شش‌ساله ابتدایی و شش‌ساله متوسطه طراحی و تدوین شده است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). از مهم‌ترین اهداف نظام آموزشی هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در مسیری است که با پیمودن آن نیازهای جامعه از یک‌سو و نیازهای فردی آنها از سوی دیگر برآورده شود. فرایند انتخاب رشته تحصیلی مستلزم تصمیم‌گیری دانش‌آموزان براساس آگاهی و شناخت از علایق و تواناییهای خود، شرایط و امکانات آموزشی موجود و ارتباط مشاغل موجود در جامعه با رشته تحصیلی است. در نظام آموزش و پرورش متوسطه دوم کشور، پنج رشته اصلی شامل: ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، علوم انسانی، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش برای ادامه تحصیل وجود دارد. در زمینه انتخاب رشته ضروری است که اطلاعات موردنیاز در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد تا آنها با آگاهی کافی بتوانند رشته مناسب را انتخاب کنند. انتخاب رشته نامناسب، سبب افت علمی کشور، فرسودگی منابع اقتصادی و انسانی، بی‌تفاوتی و بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در رابطه با مسائل فردی و اجتماعی می‌شود (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۹). آمارهای به‌دست آمده از نتایج تحقیقات نشان‌دهنده آن است که افت تحصیلی به‌صورت مردودی، ترک تحصیل و

1 . Gottlieb

یا به صورت‌های دیگر، مقدار زیادی از منابع مالی و استعداد‌های انسانی و جامعه را تلف کرده و آثار سویی به جا می‌گذارد (گلشن فومنی، ۱۳۷۶).

هدف اصلی این مطالعه آن است که دلایل اساسی مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان در شرایط کنونی جامعه را براساس دیدگاه نخبگان حوزه تعلیم و تربیت دریابد. از این رو در پی پاسخگویی به این پرسش است که مهم‌ترین دلایل مؤثر بر انتخاب رشته دانش‌آموزان پایه دهم از نگاه متخصصان کدام اند؟

■ مبانی نظری

در پژوهش‌های کیفی، برداشتها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش و تجارب زیسته آنها از موضوع، اهمیت اساسی دارد، بنابراین پژوهشگر الزامی در استفاده از نظریه‌های جاافتاده ندارد و می‌تواند کار خود را با گردآوری داده‌ها آغاز کند، اما از آنجا که کار تحقیقی در خلأ نظری صورت نمی‌پذیرد، بنابراین پژوهشگران کیفی از مفاهیم نظری موجود برای پیشینه تحقیق، شکل‌گیری پرسشها، استناد و مقایسه استفاده می‌نمایند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵).

با توجه به اهمیت انتخاب رشته به هنگام ورود به دبیرستان، پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون علوم تربیتی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تحقیقاتی انجام می‌دهند. بوردیو در کتاب بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی تأکید دارد که والدین طبقات بالا و متوسط سرمایه فرهنگی را در شکل‌های مختلف زبانی و توانمندی‌های فرهنگی برای فرزندان به ارمغان می‌آورند و سبب تداوم موفقیت تحصیلی فرزندان می‌شوند، اما طبقات پایین از این توانمندی‌های فرهنگی و زبانی محروم اند (بوردیو^۱، ۱۹۹۷). بوردیو عادت‌واره را به مثابه سرمایه عاملان تعریف می‌کند که دارای وضعیتی ساختارمند و ساخته شده است. بنابراین عادت‌واره مولد کنشها، باورها، تمایلات و احساسات در زمینه ساختار حاکم بر خود است. براساس دیدگاه او عادت‌واره به تنهایی عمل نمی‌کند، بلکه کنشهای ما محصول رابطه‌ای تنگاتنگ و ناخودآگاه میان عادت‌واره و میدان اند (گرنفل^۲، ۲۰۰۸؛ ترجمه لبیبی، ۱۳۹۳). بوردیو که یکی از زمینه‌های مطالعاتی‌اش میدان آموزش و پرورش بود، شرط تحصیل در بهترین رشته‌های دانشگاهی را برخورداری فرد از سرمایه فرهنگی می‌دانست. بنابراین به نظر بوردیو، سرمایه هر منبعی است که در عرصه خاصی اثر بگذارد و به فرد امکان بهره‌مندی از طریق این مشارکت در عرصه را بدهد. به اعتقاد برنشتاین^۳، فرزندان طبقه متوسط در مقایسه با فرزندان طبقه کارگر از سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند. این تفاوتها با ورود کودک به مدرسه، اهمیت می‌یابد (برنشتاین، ۱۹۹۶). میزان سرمایه

1. Bourdieu
2. Grenfell
3. Bernstein

فرهنگی که دانش آموز از خانواده خود به دست می آورد به پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده او بستگی دارد. سرمایه فرهنگی به همراه سرمایه اقتصادی و اجتماعی به اعضای طبقه داراها یا سلطه گر جامعه امکان می دهد تا موقعیت خود را در جامعه بازتولید کنند (بوردیو، ۱۹۹۷). به این ترتیب براساس نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، تأثیر خاستگاه اجتماعی خانواده بر موفقیت تحصیلی فرزندان ناشی از نوع و میزان منابع فرهنگی است که والدین برای فرزندان خود فراهم می کنند، زیرا کودک با بهره گیری از این منابع فرهنگی می تواند انتظارات مدرسه را برآورده سازد (جنکینز^۱، ۱۹۹۶؛ ترجمه یاراحمدی، ۱۳۸۵). به عقیده بوردیو در هر میدانی، میان بازیگران یا گروههای اجتماعی، چهار نوع سرمایه ردوبدل می شود که عبارتند از:

الف) سرمایه اقتصادی، یعنی ثروت و پولی که هر کنشگر اجتماعی در دست دارد و شامل درآمدها و انواع منابع مالی است که در قالب مالکیت جلوه نهادی پیدا می کند.

ب) سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه ای از روابط فردی و گروهی که هر فرد در اختیار دارد و آن شامل همه منابع واقعی و بالقوه ای است که می تواند با عضویت در شبکه اجتماعی کنشگران یا سازمانها به دست آید.

پ) سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی که دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است و در خلال اجتماعی شدن در افراد انباشته می شود.

ت) سرمایه نمادین، یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، حیثیت، احترام و قابلیت های فردی در رفتارهایی که فرد در اختیار دارد. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت دادن، تعریف کردن و ارزش گذاردن است (فکوهی، ۱۳۸۱).

ریتزر^۲ معتقد است که سرمایه فرهنگی بوردیو بیشتر از خاستگاه طبقه اجتماعی مردم و تجارب آموزشی آنان سرچشمه می گیرد. در این بازار، انسانها سرمایه خود را جمع می کنند و آن را برای بهبود جایگاه اجتماعی شان هزینه می کنند یا اینکه جایگاهشان را از دست می دهند و در نتیجه پایگاه آنها در چارچوب اقتصاد فرهنگی وخیم تر می شود (ریتزر، ۱۹۸۳؛ ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۴).

به باور نظریه پردازان بازتولید، آموزش و پرورش در واقع نابرابریهای قدرت، درآمد و پایگاه اجتماعی را بازتولید می کند؛ ارزشها، قواعد و نهادهای جامعه همگی بازتاب منافع گروههای مسلط و طبقه حاکم اند و آموزش و پرورش نیز از این امر مستثنی نیست. بر مبنای نظریه تضاد، نظامهای اجتماعی به دو گروه داراها یا سلطه گر و ندارها یا سلطه پذیر تقسیم می شوند که دائماً در حال ستیزه و تنش هستند. ثروتمندان از قدرت، ثروت، کالاها، امتیاز، نفوذ و کنترل جامعه برخوردارند و فقرا در کسب سهمی از ثروت و قدرت جامعه به طور دائم با گروه ثروتمند در حال مبارزه اند و این تهدیدی برای ثبات اجتماعی موجود

1. Jenkins

2. Ritzer

است. از این دیدگاه تعلیم و تربیت به‌ویژه آموزش و پرورش رسمی، وسیله‌ای در دست قشرها و طبقات خاص جامعه برای تحکیم هنجارها و ارزش‌های موردنظر و دوام خود در جامعه است. در دیدگاه تضاد، آموزش و پرورش همگانی به‌منزله نوعی ابزار جامعه سرمایه‌داری تلقی می‌شود که راهیابی به سطوح عالی آموزش و پرورش از طریق کارکرد گزینش و تخصیص و اغوا و فریب مردم، صورت می‌گیرد. کسانی که بر نظام آموزشی تسلط دارند، از طریق آن افراد جامعه را در جهت تحقق مقاصد خویش تربیت می‌کنند (قلی‌زاده، ۱۳۷۷).

از دیدگاه کارکردی، مدرسه عامل اجتماعی شدن است. به این معنا که کلاس درس و مدرسه عواملی هستند که از طریق آن شخصیت افراد به‌گونه‌ای تربیت می‌شود که بتواند برای ایفای نقش‌های بزرگسالی آمادگی داشته باشند (دومن^۱، ۱۹۸۱). از نظر پارسونز آموزش و پرورش فرایندی آگاهانه، خلاقانه و همراه با اهداف خاصی است که در چارچوب یک نظام اجتماعی رخ می‌دهد. پارسونز، عوامل مؤثر در آموزش و پرورش را فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارها، نظام اعتقادی افراد، تمایلات نیازی و اجتماعی کردن افراد می‌داند (ارجمند سیاهپوش و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به نظریه‌های مطرح شده و نقاط قوت هر یک از آنها در تبیین جنبه‌هایی از موفقیت تحصیلی در مدرسه، دیدگاه غالب نظری این پژوهش نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو است. بوردیو از طریق ارائه آمارهای مختلف دربارهٔ مدرسه، بر نقش تعیین‌کننده فرهنگ‌های طبقات و محیط بر توان تحصیلی و بازتولید آن، به‌ویژه از طریق نظام آموزشی تأکید کرده است.

پیشینه تجربی

در این بخش از تحقیق، پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده با موضوع موفقیت تحصیلی و انتخاب رشته دانش‌آموزان متوسطه، به صورت جدول شماره ۱ گردآوری، سپس نقد شده است.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های انجام شده با موضوع موفقیت تحصیلی و انتخاب رشته

سال	پژوهشگر	عنوان پژوهش	متغیرها	نتیجه
۱۳۹۷	چالشی	هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالش‌های پایدار	استعداد، علاقه، هدایت تحصیلی، رشته تحصیلی	برنامه‌های هدایت تحصیلی به‌طور شایسته اجرا نشده است. ایجاد بستر مناسب، ارتقای سطح دانش مشاوران، تلاش برای راهنمایی دانش‌آموزان تا مرحله کسب صلاحیت و انجام پژوهش و ارزشیابی برنامه‌ها عواملی هستند که در بهبود هدایت تحصیلی نقش اساسی دارند.

1. Demaine

جدول ۱. (ادامه)

سال	پژوهشگر	عنوان پژوهش	متغیرها	نتیجه
۱۳۹۶	مقصود گردان و عبدالمی	بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان	محیط آموزشی، قبولی در دانشگاه، جنسیت، طبقه اجتماعی و اقتصادی، خانواده، همسالان و علاقه	آموزش و پرورش با ایجاد رشته‌های جدید می‌تواند سبب جذب دانش آموزان به رشته‌های مورد نظر شود، رضایت از معلمان در رشته‌ای که تدریس می‌کنند و امکان دستیابی به شغل از دیگر عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانش آموزان هستند.
۱۳۹۵	خادم مسجدی و نوروزی	نقش والدین بر انتخاب رشته تحصیلی دانش آموزان (شهر دوشنبه تاجیکستان)	والدین، انتخاب رشته، ICT، دسترسی به بازار شغلی	والدینی که از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند بهتر از والدین دیگر قادرند به فرزندان خود در امر انتخاب رشته و هدایت تحصیلی یاری رسانند و این دانش آموزان معمولاً از انتخاب‌های موفق‌تری برخوردار بوده‌اند و از بازار کار بهتری بهره خواهند برد.
۱۳۹۵	رفیعی و همکاران	بررسی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش آموزان از منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی	مشاور، علاقه، نقش مدرسه، استعداد، میزان مطالعه، وسایل سمعی و بصری	دانش آموزان از نقش مشاوران و مراکز خصوصی مشاوره، نقش مدرسه، مطالعه فردی، استفاده از وسایل سمعی و بصری و بازدید از مشاغل در کسب اطلاعات برای انتخاب رشته مناسب آگاه بودند، اما امکانات دسترسی به این منابع برای آنها به آسانی فراهم نبوده است.
۱۳۹۴	معروفی و کریمی	سبک یادگیری به عنوان رویکردی برای هدایت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی	رشته تحصیلی، سبک یادگیری	نتایج پژوهش نشان داده است که اغلب دانش آموزان رشته ریاضی و تجربی، دارای سبک یادگیری همگرا و جذب کننده و اغلب دانش آموزان رشته علوم انسانی دارای سبک یادگیری واگرا و انطباق دهنده هستند.
۱۳۹۲	گرادی و آیدین	بررسی رضایت دانش آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن	تواناییهای دانش آموز، شغل آینده، علاقه، نظر مشاور، نظر والدین، رضایت	عوامل مؤثر بر رضایت از انتخاب رشته به ترتیب، علاقه شخصی، اولویت شغلی آینده و توصیه مشاور بوده و نظر والدین کمترین نقش را داشته است. دانش آموزان رشته علوم انسانی بیشترین و دانش آموزان رشته ریاضی و فیزیک کمترین رضایت از انتخاب رشته خود داشته‌اند، همچنین دانش آموزان از الزام انتخاب رشته در سال اول دبیرستان رضایت داشته‌اند.
۱۳۸۹	قنبری و همکاران	ارائه راهبردهایی برای هدایت تحصیلی و شغلی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان سیرجان	آینده شغلی، علاقه، توانایی علمی، امکانات آموزشی، توان مالی خانواده	بیشتر دانش آموزان به رشته‌های علمی و فنی علاقه‌مند بوده‌اند. در میان دختران علاقه و امکانات مراکز آموزشی، بیشترین نقش را داشته و در میان پسران، درآمد بیشتر مورد توجه بوده است.

جدول ۱. (ادامه)

سال	پژوهشگر	عنوان پژوهش	متغیرها	نتیجه
۱۳۸۵	همایونی و همکاران	رابطه بین سبکهای یادگیری، سبکهای شناختی و انتخاب رشته تحصیلی در دانش آموزان پسر دبیرستانی	رشته تحصیلی، سبک یادگیری، سبک شناختی	دانش آموزان دارای سبکهای مستقل، همگرا و جذب کننده به رشته های ریاضی و تجربی تمایل دارند و دانش آموزان دارای سبکهای وابسته، واگرا و انطباقی رشته انسانی را انتخاب می کنند.
۲۰۱۸	راپوپورت و تیپو ^۱	مقایسه تطبیقی عملکرد تحصیلی فارغ التحصیلان نظام جدید آموزشی	دستمزد، نمرات تحصیلی، کلیشه های جنسیتی، سلیقه، هنجارها	به خلاف پسران، دختران رشته تحصیلی را انتخاب می کنند که منجر به مشاغل کم درآمد و موقعیت اجتماعی پایین می شود. اهمیت درآمد برای پسران بیشتر از دختران بوده و انتخاب رشته بستگی به جنسیت دارد.
۲۰۱۷	جوستینلی و پاونی ^۲	دلایل انتخاب رشته های مختلف تحصیلی توسط دختران و پسران فرانسوی	ادراک، یادگیری، انتخاب رشته، ارتباط با والدین	بررسی نتایج حاکی از این بوده است که ادراکات در طول زمان تکامل می یابد و این الگوها، فرایندهای ناهمگونی در یادگیری دانش آموزان در فرایند تصمیم گیری نشان می دهند. تفاوت های درون خانوادگی و ارتباط با والدین تأثیر قابل توجهی در رفع ابهام فرایند انتخاب رشته دارند.
۲۰۱۴	آیزنکوا و پالیا ^۳	اندازه گیری ادراک انتخاب تحصیلات از سوی دانش آموزان رومانی	برنامه درسی، کارآموزی، علاقه	اندازه گیری ادراک دانش آموزان نسبت به انتخاب زمینه تحصیلی و شغلی باید به عنوان یک ابزار کاری در نظر گرفته شود.
۲۰۱۲	پولات ^۴	عوامل مؤثر بر انتخاب دانشگاه و گروه از نظر دانش آموزان	امکانات دانشگاه، شهر، خانواده، معلمان	دانشجویان در هنگام انتخاب دانشگاه و بخش، زمان زیادی را به تحقیق اختصاص می دهند و با کمک خانواده و معلمان، شرایط فیزیکی دانشگاه و شهری که دانشگاه در آن قرار دارد و همچنین امکانات اجتماعی و فرهنگی، دانشگاه مورد نظر خود را انتخاب می کنند.
۲۰۰۹	واگنر و فارد ^۵	عوامل مؤثر بر اهداف دانش آموزان مالزی برای تحصیل در مؤسسات آموزش عالی	ارزش، آموزش، هزینه تحصیل، خانواده، دوستان، محتوا و ساختار	هزینه تحصیل و درجه مؤسسه آموزشی، بیشترین نقش را در انتخاب دانش آموزان مالزیایی دارد.

1. Rapoport & Thibout
2. Giustinelli & Pavoni
3. Cernicova & Palea
4. Polat
5. Wagner & Fard

اولین نکته درباره نقد پژوهش‌های انجام شده، روش انجام آنهاست که به روش کمی انجام شده‌اند و تاکنون در زمینه موضوع مهم انتخاب رشته در کشور ما مطالعه‌ای به شیوه کیفی انجام نشده است تا به یافته‌هایی فراتر از مفروضات از پیش تعیین شده پژوهشگر دست یابند. نکته دوم در مورد موضوع انتخاب رشته دانش‌آموزان دوره متوسطه در ایران پژوهش‌چندانی صورت نگرفته است و اندک کارهای انجام شده مربوط به انتخاب رشته‌های دانشگاهی به‌ویژه رشته‌های پزشکی بوده است. پیشینه تجربی و نظریات مطرح در حوزه انتخاب رشته، نشان می‌دهند که در همه جوامع انتخاب رشته از عوامل فردی، خانوادگی، آموزشی و شغلی تأثیر می‌پذیرد، تنها ماهیت و شدت آنها در هر جامعه براساس فرهنگ، ارزشها، منابع، امکانات و ... متفاوت است. آنچه پژوهش حاضر را از سایر پژوهش‌های انجام شده با موضوع انتخاب رشته متمایز می‌کند، رویکرد روش‌شناسی آن است که به روش کیفی انجام شده است. همچنین برای پاسخگویی به نیاز اصلی دانش‌آموزان در زمان انتخاب رشته و ورود به پایه دهم متوسطه کاربرد عملی دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، کیفی و از نوع «نظریه مبنایی» یا گراند تئوری^۱ است. در نظریه مبنایی ضمن اینکه پژوهشگر پیگیر اهداف پژوهشی خود است، به زیست جهان افراد مورد مطالعه ورود کرده و درک و فهم آنها را از زندگی و حیاتشان مورد کاوش قرار می‌دهد (معینی و نیازی، ۱۳۹۶). از نظر پارادایمی، پژوهش کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی - برساخت‌گرایی اجتماعی است. روش کیفی بر ماهیت، فرایندها و معنادمی تأکید می‌کند (دنزین و لینکن^۲، ۲۰۱۱). روش نظریه مبنایی که نظریه بازکاوی نیز خوانده می‌شود، کار خود را با مشاهده شروع می‌کند و سپس الگوها، مضامین یا مقوله‌های عام را پیش می‌نهد (ببی^۳، ۱۹۹۸؛ ترجمه فاضل، ۱۳۸۶). این نظریه از روشهای رایج کمی اجتناب نموده و حتی ضد آنهاست (ایمان، ۱۳۹۱).

در روش نظریه زمینه‌ای معمولاً از سه نوع کدگذاری استفاده می‌شود. کدگذاری باز، محوری و گزینشی. اولین فعالیتهای مربوط به فرایند کدگذاری، کدگذاری باز نامیده می‌شود (تریسی^۴، ۲۰۱۳؛ اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰؛ ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). در کدگذاری محوری دست به تقلیل مفاهیم می‌زنیم تا به مقولات برسیم. مرحله پایانی یعنی کدگذاری گزینشی (انتخابی) مستلزم مرور، واری و پیگیری داده‌ها و کدهای قبلی (نیازی و صدوقی، ۱۳۹۱) و یافتن یک مقوله هسته‌ای و مرکزی است تا تمامی مقولات قبلی را در خود جای دهد. در این مطالعه نیز این سه مرحله در تحلیل داده‌های کیفی

1. Grounded theory
2. Denzin & Lincoln
3. Babbie
4. Tracy

اجرا شده و در پایان یک مدل زمینه‌ای ارائه شده است که با کمک آن می‌توان به تحلیل عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان پرداخت. در روش کیفی برای ارزیابی از ملاکهای اعتمادپذیری^۱، باورپذیری^۲، اطمینان‌پذیری^۳، انتقال‌پذیری^۴ و تصدیق‌پذیری^۵ استفاده می‌شود (فلیک^۶، ۲۰۰۶؛ ترجمه خلیلی، ۱۳۹۱). به پیروی از همین ملاکها، در این مطالعه تلاش خواهد شد، چنین ملاکهایی تا حد ممکن رعایت شود. در پژوهش حاضر گردآوری اطلاعات از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته و با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و راهبرد نمونه‌گیری نظری با ۲۵ نفر از متخصصان انتخاب رشته و حوزه تعلیم و تربیت استان ایلام صورت گرفته است. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود. فرایند نمونه‌گیری بارها تکرار می‌شود تا تئوری به‌طور کامل تدوین گردد (معینی و بنازی، ۱۳۹۶). در نمونه‌گیری کیفی تعداد افراد نمونه را با معیار اشباع نظری تعیین می‌کنند، یعنی، زمانی که پژوهشگر به این نتیجه برسد که انجام دادن مصاحبه‌های بیشتر و مشاهده، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت می‌تواند دست از گردآوری داده‌ها بردارد. اشباع نظری مرحله دست یافتن به نظریه است (همان منبع).

■ یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاصل چندین گام شامل اجرای مصاحبه‌ها، پیاده‌سازی، استخراج مفاهیم، تقلیل مفاهیم و سپس تشکیل مقولات محوری و در آخرین مرحله بر ساخت مقوله اصلی یعنی «پنداشت از انتخاب رشته به‌مثابه آفریننده سرمایه» بوده است. این مقوله به نوعی همه مقولات پیشین خود را پوشش داده و انتزاعی‌تر از آنهاست. پژوهشگران پس از بررسی‌های بسیار و رفت و برگشت میان کدهای باز و محوری و مشورت با متخصصان به مقوله اصلی دست یافته‌اند. برای دستیابی به اهداف پژوهش حاضر با روش مصاحبه کیفی و دیدار رودررو با متخصصان این حوزه با تعیین وقت قبلی مصاحبه‌هایی در حدود ۳۰ تا ۵۰ دقیقه انجام شده است. فرایند گردآوری اطلاعات تا مرحله اشباع نظری پس از ۲۵ مصاحبه ادامه یافته است. پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها در پایان هر مصاحبه و غربالگری آنها، تعداد ۴۹ کد باز (مفاهیم) استخراج شده و در مرحله بعدی در ده کد محوری (مقوله) مطابق جدول شماره ۲ نهایی شده است.

1. Trustworthiness
2. Credibility
3. Dependability
4. Transferability
5. Confirmability
6. Flick

جدول ۲. کدبندی با کد باز، محوری و مقوله اصلی

مقوله هسته	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کد باز (مفاهیم)
«پنداشت از انتخاب رشته به‌مثابه آفریننده سرمایه»	آینده‌نگری آموزشی	امکان ادامه تحصیل
		کاربردی بودن رشته در جامعه
		کسب موقعیت اجتماعی
		پرستیژ اجتماعی
		امکان‌ات منطقه و کشور
		سهولت تحصیل در رشته
		قبولی در دانشگاه معتبر
	علائق آموزشی	علاقه به محیط آموزشی
		علاقه به رشته مورد نظر
		رضایت از مدرسه محل تحصیل
		علاقه به محتوای کتابهای درسی رشته مورد نظر
		کیفیت تدریس دبیران
		بضاعت علمی مدرسه
		رضایتمندی فرد از رشته تحصیلی
		داشتن انگیزه تحصیلی
		تنوع رشته
	هدایت تحصیلی	شناخت از رشته تحصیلی
		خدمات مشاوره‌ای مدارس
		ملاکهای آموزش و پرورش برای انتخاب رشته (تست استعداد، رغبت‌سنج، مشاوره و ...)
		پیچیدگی هدایت تحصیلی
	الگوپذیری از گروههای مرجع	توصیه دبیران به انتخاب رشته مناسب
		وجود الگوی مرجع
		پیروی از دوستان
		رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی
		پیروی از الگوها

جدول ۲. (ادامه)

مقوله هسته	کدگذاری محوری (مقوله‌ها)	کد باز (مفاهیم)
«پنداشت از انتخاب رشته به‌مثابه آفریننده سرمایه»	پنداشت از توانمندی شخصی	استعداد
		هوش
		توانایی فیزیکی و جسمانی
	آینده‌نگری شغلی	ارزش اجتماعی شغل آینده
		جذابیت شغل آینده
		آینده شغلی رشته انتخابی
		بازار کار فعلی در رشته انتخابی
		درآمد شغل انتخابی در آینده
	استطاعت مالی	توان مالی خانواده
		هزینه رشته در دوران تحصیل
		پایگاه اقتصادی خانوادگی
		شغل والدین
		داشتن هزینه برای کلاسهای تقویتی، کنکوری و مؤسسات آموزشی
	ارتقای سرمایه فرهنگی	بالا رفتن شأن اجتماعی
		ارتقای مدرک تحصیلی
	عقبه فرهنگی	ذخیره‌های دانشی
		آداب و رسوم منطقه
		رشته تحصیلی اعضای خانواده
		سواد والدین
		مشاوره والدین در مورد انتخاب رشته فارغ از هرگونه تحمیل و اجبار
		تأکید والدین به انتخاب رشته دلخواه آنها
	فشار اجتماعی	رقابت در میان خانواده‌ها
		خواسته‌های والدین که به آنها نرسیده‌اند و تحمیل آن به فرزندان
		تمایل اولیا به قبول شدن فرزندان در رشته پزشکی

■ شرایط علی

به حوادث، وقایع و اتفاقی‌هایی دلالت دارد که به وقوع و گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵). در این پژوهش مقوله ترجیحات شغلی، الگوبذیری از گروههای مرجع و علائق آموزشی به منزله شرایط علی شناسایی شده‌اند.

● مقوله آینده‌نگری شغلی

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی ارزش شغل آینده، جذابیت شغل آینده، آینده شغلی رشته انتخابی، بازار کار در رشته انتخابی و درآمد شغل انتخابی در آینده است که نیازهای شغلی و تأمین اقتصادی آینده نوجوانان را پوشش می‌دهد. نکته جالب توجه اینکه، در مصاحبه‌ها، همه پاسخگویان برای انتخاب رشته دانش‌آموزان به شکلهای گوناگون به این مقوله اشاره و به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار تأکید بسیار داشته‌اند. چالش انتخاب شغل و مشکلات اقتصادی در جامعه ایران به‌عنوان شرایط علی انتخاب رشته در نظر گرفته شده است. در این قسمت به چندین مصاحبه اشاره می‌شود:

مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... اگر براساس منطق قانونی در نظر بگیریم در انتخاب رشته علاقه اولویت اول است. اما واقعیت امروز جامعه ما این است که اولویت اول را باید به آینده شغلی داد و می‌بینیم اغلب افراد هم بر این اساس دست به انتخاب رشته می‌زنند که متأسفانه علاقه سرکوب می‌شود ...].

مصاحبه شونده‌ای دیگر اظهار کرده است: [... در شرایط فعلی حتی اگر فرزند و برادر خود هم در مرحله انتخاب رشته باشد اول بازار کار برایش در نظر می‌گیرم ...].

براساس گفته‌های این مصاحبه شونده‌ها استنباط می‌شود که به‌خلاف مهم‌ترین ملاک انتخاب رشته، که علاقه فرد است عمل می‌شود. هدف اصلی افراد از انتخاب رشته و ادامه تحصیل شغلیابی است، اما مشکلات معیشتی که در جامعه وجود دارد سبب شده است که دیگر معیارها و ملاکهای انتخاب رشته از جمله علاقه و انگیزه فرد قربانی مسائل شغلی شود.

● الگوبذیری از گروههای مرجع

این مقوله براساس کدهای مفهومی پیروی از دوستان، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، پیروی از الگوها، توصیه دبیران به انتخاب رشته مناسب و وجود الگوی مرجع در آن رشته ساخته شده است. مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... داشتن الگو و شخصیت برای فرد مهم است مثلاً یک نفر حقوقدان برجسته، شاعر، هنرپیشه و ... برایش الگوی مرجع می‌شوند و بر این اساس انتخاب رشته می‌کند ...].

مصاحبه شونده‌ای دیگر معتقد بود: [... فرد براساس نوع انتخاب دوستان رشته تحصیلی

خودش را انتخاب می کند، بعضی دانش آموزان هم هستند اگر رشته دوست شون را نیارن حداقل کاری که می کنند مدرسه شون رو عوض می کنن و از مدرسه دوستاشون میرن ...

● علائق آموزشی

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی علاقه به محیط آموزشی، رضایتمندی فرد از رشته تحصیلی، علاقه به رشته مورد نظر، داشتن انگیزه تحصیلی، رضایت از مدرسه محل تحصیل، کیفیت تدریس دبیران، بضاعت علمی مدرسه و تنوع رشته است.

مصاحبه شونده‌ای گفته است: [... در انتخاب رشته علاقه حرف اول و آخر می زنه. اینکه شخص به چه رشته‌ای علاقه داره خیلی اهمیت داره ...]

مصاحبه شونده‌ای دیگر معتقد بود: [... کیفیت تدریس معلم مهمه مثلاً دانش آموزی میخواد رشته ریاضی و فیزیک بره باید معلم مجربش هم باشه ...]

در همه انتخابهای افراد علاقه شرط اصلی است. برای انتخاب رشته براساس علاقه پیش زمینه‌هایی وجود دارد که در صورت فراهم بودن آنها، افراد می توانند براساس میل خود مسیر تحصیلی را برگزینند. اما در جامعه ما زیرساختهای لازم از جمله تنوع رشته تحصیلی، امکانات آموزشی و غیره فراهم نیست.

■ شرایط زمینه‌ای

نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش/کنش متقابل انجام می شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵). در این پژوهش مقوله آینده‌نگری آموزشی، عقبه فرهنگی و پنداشت از توانمندی شخصی شرایط زمینه‌ای پژوهش را تشکیل داده‌اند.

● آینده‌نگری آموزشی

این مقوله براساس کدهای مفهومی امکان ادامه تحصیل، کاربردی بودن رشته در جامعه و محیط زندگی، کسب موقعیت اجتماعی، پرستیژ اجتماعی، امکانات منطقه و کشور، سهولت تحصیل در رشته و قبولی در دانشگاه معتبر به منزله یکی از شرایط زمینه‌ای شناسایی شده است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان عقیده داشت: [... به نظر من انتخاب رشته یعنی انتخاب آینده همه چیز، از قبولی در دانشگاه گرفته تا شغل، موقعیت، پرستیژ و ... خیلی مهم است همه جوانب برای فرد سنجیده شود و انتخاب رشته صورت بگیرد ...]

مصاحبه شونده‌ای دیگر اظهار کرده است: [... در بحث سرنوشت‌ساز انتخاب رشته بایستی عوامل فراوانی در نظر بگیری و بیشتر به فکر آینده آن رشته باشی. آیا در آینده و حتی الان

اشباع نشده، سمت و سوی برنامه‌های کشور را برآورد کنی مثلاً تولید و صادرات کشور بر چه اساسی هست. پتانسیل و امکانات منطقه و شهرت را بسنجی ...].

آنچه از دیدگاه شرکت‌کنندگان در مورد این مقوله برداشت می‌شود این است که در انتخاب رشته بایستی موقعیتهای مختلف آینده را پیش‌بینی و براساس آنها تصمیم گرفت. اصولاً پیامدهای انتخاب رشته بیشتر معطوف به آینده است. بنابراین ضروری است که دانش‌آموز انتخاب‌کننده، آگاهی کاملی از وضعیت ادامه تحصیل آن رشته در مقاطع بالاتر داشته باشد.

● عقبه فرهنگی

این مقوله براساس کدهای مفهومی ذخیره‌های دانشی، آداب و رسوم منطقه، رشته تحصیلی اعضای خانواده، سواد والدین، مشاوره والدین در مورد انتخاب رشته و آزاد بودن فرزندان از هرگونه تحمیل و اجبار ساخته شده است.

مصاحبه‌شونده‌ای معتقد بود: [... اینکه دانش‌آموز از دوره‌های تحصیلی قبلی چقدر بار علمی داره، سطح نمراتش و بخصوص در دروس اصلی مثل ریاضی، فارسی در چه سطحی هست به نظرم در انتخاب رشته مهم هست...].

پاسخ یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه: [... هر چی آگاهی والدین و تحصیلاتشون بالاتر و بهروزتر باشه فضای مناسبی برای انتخاب رشته فرزندشون فراهم می‌کنن با متخصصان مشورت می‌کنن و مشاوره لازم به فرزندشون می‌دن و تصمیم نهایی بر عهده فرزندشون می‌زارن و فرزندان هر تصمیمی بگیرن حمایتش می‌کنن ...].

اظهاری نظر جالب یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه: [... به نظرم جو فرهنگی حاکم بر منطقه خیلی مهمه. اگر فرهنگ کار رواج داشته باشه افراد و خانواده‌ها سراغ رشته‌های فنی و کار و دانش که بازار کار خوبی دارن و سریع جذب بازار کار میشن میرن، اگر پرستیژ و پز دادن مد نظر باشه افراد ریاضی و تجربی را انتخاب می‌کنن و اگر فضای ادبی حاکم باشه علوم انسانی در اولویت قرار می‌گیره ...].

بر این مبنا داشته‌های فرهنگی و برخورداری افراد از سرمایه فرهنگی و اجتماعی در انتخاب رشته افراد از ملاکهای اصلی است. افراد براساس زیست جهانی که در آن زندگی می‌کنند و جو فرهنگی که بر آن حاکم است تصمیم‌گیری و اقدام به انتخاب می‌کنند.

● پنداشت از توانمندی شخصی

این مقوله براساس کدهای مفهومی استعداد، هوش و توانایی فیزیکی و جسمانی ساخته شده است.

مصاحبه شونده‌ای معتقد بود: [... برای تحصیل در هر رشته‌ای باید هوش و استعدادش را داشته باشی. بعضی دانش‌آموزان بعد ذهنی‌شان قویه و بعضی برعکس تجسم عینی‌شان قوی‌تر هست. بر این اساس باید انتخاب رشته انجام داد ...].

اصولاً برداشت فرد از تواناییهای خود، یکی از مقدمات انتخاب رشته مطلوب محسوب می‌شود. بنابراین افراد باید براساس توانایی ذهنی و عملی خود تصمیم به انتخاب رشته کنند.

■ شرایط مداخله‌گر

شرایط ساختاری که به پدیده تعلق دارند و بر راهبردهای کنش/کنش متقابل اثر می‌گذارند و راهبردهایی را در درون زمینه‌ای خاص سهولت می‌بخشند یا آنها را محدود می‌کنند (همان منبع)، در این پژوهش مقوله‌های هدایت تحصیلی، فشار اجتماعی و استطاعت مالی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر تشخیص داده شده‌اند.

● هدایت تحصیلی

این مقوله براساس کدهای مفهومی شناخت از رشته تحصیلی، خدمات مشاوره‌ای مدارس، ملاکهای آموزش و پرورش برای انتخاب رشته (تست استعداد، رغبت‌سنج، مشاوره و ...)، پیچیدگی هدایت تحصیلی و هر عامل ساختاری و بخشنامه‌ای ساخته شده است که از بالا بر دانش‌آموز در بحث انتخاب رشته اعمال می‌شود.

مصاحبه یکی از پاسخگویان که خود در سال تحصیلی جاری با آن درگیر بوده جالب است: [... پسرم امسال وارد پایه دهم شده است. علاقه‌اش به رشته علوم تجربی بود و نظر خودم هم همین بود، چون وضعیت درسی‌اش هم خوبه معدلش بالای ۱۹ شده اما آموزش و پرورش می‌گوید باید علوم انسانی بری چون با این هدایت تحصیلی محدودیت ایجاد کردن و آخرش هم مجبور شدیم انسانی ثبت نامش کنیم و الان در دبیرستان رشته انسانی می‌خونه ...].

مصاحبه شونده دیگری به صراحت اظهار کرده است: [... هدایت تحصیلی در برنامه‌های آموزش و پرورش انحرافی است و اهرمی شده که جلو خیلی از تواناییها، آرزوها و علایق بچه‌ها را گرفته ...].

مصاحبه شونده‌ای دیگر عقیده داشت: [... این هدایت تحصیلی، دانش‌آموزان، خوب در موردش راهنمایی نشدن خیلی طولانی و خسته کننده است. لازم است مختصر و واضح بکنن. ۹ ماه قبل از انتخاب رشته گزارش می‌کنن و خیلی از دانش‌آموزان اهمیت نمی‌دن و چون برای هر رشته‌ای آموزش و پرورش سهمیه‌بندی می‌کنه و محدودیت میذاره می‌بینی فرد رشته مورد علاقه اش را نمیاره و باعث نارضایتی و دلسردی فرد میشه ...].

براساس سه مصاحبه ذکر شده به راحتی استنباط می‌شود که شیوه اجرای هدایت تحصیلی در آموزش و پرورش نیازمند بازنگری است، زیرا در انتخاب رشته برای دانش‌آموزان محدودیت و اجبار ایجاد می‌شود.

● فشار اجتماعی

این مقوله براساس کدهای مفهومی تمایل اولیاء به قبول شدن فرزندان در رشته پزشکی، رقابت در میان خانواده‌ها در مورد موفقیت‌های فرزندان و خواسته‌هایی که والدین به آنها نرسیده‌اند و تحمیل آن به فرزندان و تأکید والدین به انتخاب رشته دلخواه آنها، به عنوان فشار اجتماعی و یکی دیگر از شرایط مداخله‌گر شناسایی شده است.

اظهارات مصاحبه شونده ای، براساس دیدگاه فوق است: [... در بحث انتخاب رشته بیشتر انتخاب با اولیا است و آنها به جای فرزندان تصمیم می‌گیرند و از این طریق می‌خواهند آرزوهایی که خودشان به آنها نرسیده‌اند از طریق فرزندان به آن برسند و در واقع انتخاب خودشان را به بچه‌ها تحمیل می‌کنند ...].

با اظهار نظر این مصاحبه شونده در نوع خودش جالب توجه است: [... اولیا قبولی فرزندانشان را در رشته پزشکی می‌خواهند و دیگر ملاکها، تواناییها و علاقه بچه‌ها را نادیده می‌گیرند ...]. از مصاحبه‌های بالا استنباط می‌شود که این نوع برخورد اولیا و تحکم آنها در مورد انتخاب رشته، نقشی مداخله‌گرانه دارد و سایر تواناییها و علائق بچه‌ها نادیده گرفته می‌شود. در صورتی که از اولیا انتظار می‌رود شرایط تحصیلی و تربیتی برای فرزندان فراهم کنند و در زمینه انتخاب رشته نقش ارشادی داشته باشند.

● استطاعت مالی

این مقوله برگرفته از کدهای مفهومی توان مالی خانواده، هزینه رشته در دوران تحصیل، پایگاه اقتصادی خانوادگی، شغل والدین و داشتن هزینه برای کلاسهای تقویتی، کنکوری و مؤسسات آموزشی است.

پاسخ یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه: [... اقتصاد خانواده خیلی مهم است. بین امروزه برای قبولی در رشته‌های تاپ نیاز به هزینه است. بعضی خانواده‌ها توان مالی ندارند و تعدادی هم هستند که هزینه تحصیل بچه‌ها در کلاسهای تقویتی، کنکوری و مؤسسات آموزشی براشون جا نیفتاده ...].

اظهار نظر این مصاحبه شونده در نوع خودش جالب توجه است: [... درس خواندن، انتخاب رشته یعنی توان مالی و پول. درس مال بچه پول دارهاست ...].

براساس متن مصاحبه‌های انجام شده، توانایی مالی خانواده به منزله یکی از شرایط زمینه‌ای نقشی اساسی در موفقیت تحصیلی دارد و چنانچه فردی بخواهد در رشته‌ای مثل پزشکی در علوم تجربی قبول شود، بایستی از نظر مالی تأمین باشد.

● راهبرد (استراتژی)

راهبردهای ایجاد شده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شده خاصی انجام می‌شوند (همان منبع). تعاملها، راهبردها یا فرایندها بیانگر آن دسته از تعامل و کنشهایی اند که کنشگران در قبال آن شرایط بروز داده‌اند.

مصاحبه یکی از پاسخگویان که تجربه‌های بسیار در این موضوع دارد: [... هر سال بخصوص از آذر ماه به بعد دانش‌آموزان فراوانی می‌بینی که در گوشه‌ای از حیاط مدرسه وقت تلف می‌کنند. بارها پای صحبت‌های آنها نشسته‌ام و از عدم علاقه‌شان از رشته تحصیلی گفته‌اند حالا در بین آنها هم افرادی هستند که از مشکلات مضاعفی^۱ می‌گفتند ...].

در این پژوهش موارد زیر راهبردهای عدم انتخاب رشته مناسب بوده است: حضور در مدرسه و عدم شرکت در کلاس دبیران، غیبت مکرر در کلاسهای درس، جابه‌جایی مدرسه و تغییر رشته مکرر. یکی از نگارندگان که خود تجربه حضور در موقعیتهای گوناگون آموزشی و اداری را داشته، در موارد بسیار با دانش‌آموزانی مواجه شده است که از نوع انتخاب رشته خود ناراضی بوده‌اند. اکثر این دانش‌آموزان بدون شناخت و مشاوره‌های لازم رشته تحصیلی متوسطه خود را انتخاب کرده بودند، اما توان علمی لازم برای فهم مطالب آن رشته را نداشتند.

■ پیامدها

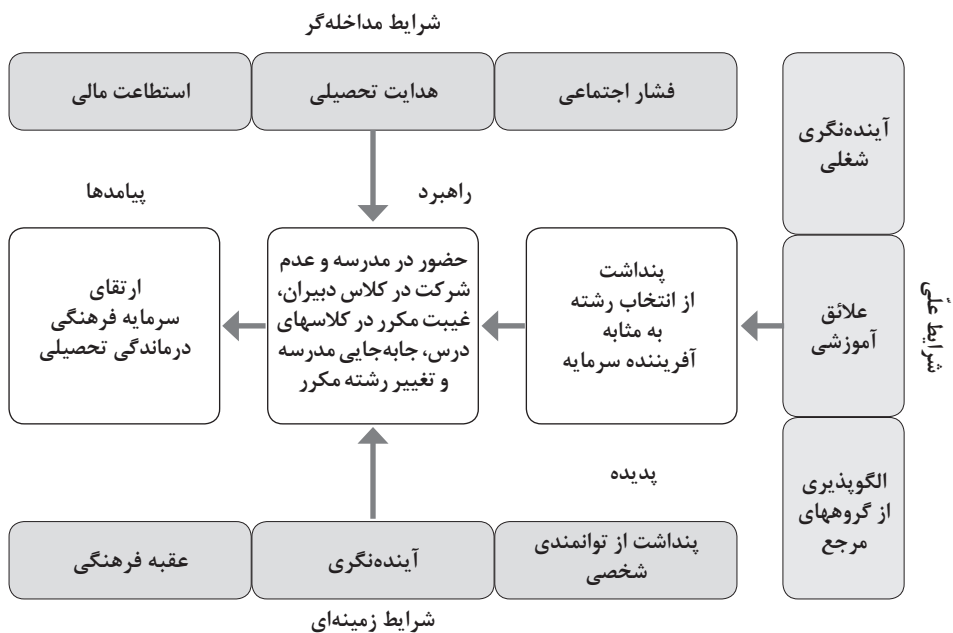
پیامدها بیانگر نتایج تعاملها و راهبردها و تحت تأثیر شرایط مربوط به آنها هستند (محمدپور، ۱۳۹۲). این مقوله تحت عنوان «ارتقای سرمایه فرهنگی» در صورت انتخاب رشته صحیح و علمی و «درماندگی تحصیلی، افت و ترک تحصیل» در صورت عدم انتخاب رشته مناسب در میان دانش‌آموزانی نمود می‌یابد که انتخاب رشته ای مناسب ندارند.

■ مقوله هسته‌ای پژوهش

در این پژوهش پس از برداشتن چندین گام شامل انجام دادن مصاحبه، کدبندی اولیه، غربال‌گری، کدبندی انتخابی، نهایتاً مقوله هسته تحت عنوان «پنداشت از انتخاب رشته به‌مثابه آفریننده سرمایه» انتخاب شده است. مقوله هسته در فرایند کدگذاری انتخابی خلق می‌شود. این نوع کدگذاری فرایند

۱. یعنی فرد علاوه بر مشکلات انتخاب رشته تحصیلی درگیر مشکلات خانوادگی، شکست عشقی و ... است.

یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در جهت خلق نظریه است. پژوهشگر باید در داده‌ها غرق شود و به تعمق بپردازد تا بتواند پیوند میان مقوله‌ها را پیدا و آنها را پالایش کند، با هم یکپارچه گرداند و نهایتاً نظریه را استخراج کند. مقوله هسته در بردارنده مضمون اصلی پژوهش است و از همه مقولات تحقیق منتزع می‌شود و می‌تواند در چند کلمه خلاصه شود، به‌طوری که همه مقوله‌ها و مفاهیم به‌دست آمده را در برگیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵). با توجه به مطالب گفته شده فوق، در نهایت مدل پارادایمی انتخاب رشته در شکل ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱. مدل پارادایمی انتخاب رشته دانش آموزان

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

انتخاب رشته اولین و مهم‌ترین انتخاب هر فرد در زندگی تحصیلی به‌شمار می‌آید. این انتخاب، مقدمه‌ای برای انتخابهای دیگر انسان در سایر برهه‌های زندگی است. در شرایط کنونی جامعه و در نظام آموزش و پرورش، فرصتهایی مناسب در اختیار دانش‌آموزان قرار داده می‌شود تا بتوانند تصمیمی مناسب براساس داشته‌ها و اندوخته‌های علمی و تجربی تحصیلی خود و براساس خرد جمعی اتخاذ کنند. با این حال شرایط جامعه همیشه در وضعیت ایده‌آل از نظر انتخاب شغل، قبولی در دانشگاه و حتی انتخاب رشته در دوره متوسطه و کنکور قرار ندارد و به دلایل گوناگون، محدودیتهایی بر انتخابهای افراد

اعمال می‌شود. نمونه ای از این محدودیتها طی سالهای اخیر در انتخاب رشته و ورود به دوره متوسطه در قالب هدایت تحصیلی برجسته شده است. در هدایت تحصیلی آموزش و پرورش، اصل بر این بوده است که براساس معیارهایی مانند نظر معلمان، مشاور، اولیا، خود دانش آموز و نمره‌های حاصل از آزمونهای استعداد و رغبت، فرد به یکی از رشته‌های دایر در دبیرستانها و هنرستانها هدایت شود، اما در سالهای اخیر به سبب محدودیت ظرفیت هر رشته، آموزش و پرورش نظر خود را بر انتخاب رشته دانش آموز اعمال کرده و با این کار مانع ورود سیل عظیم دانش آموزان به رشته دلخواه خود یعنی علوم تجربی شده است. هر چند انتخاب رشته و هدایت تحصیلی در کشورهای گوناگون، به روشهای متفاوت انجام می‌شود، اما در کشور ما به مسأله ای اجتماعی و آموزشی تبدیل شده است. بنابراین سؤال اساسی و محوری پژوهش حاضر شناسایی عوامل دخیل در انتخاب رشته براساس دیدگاه کارشناسان و صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده است و براساس پیگیری خط اصلی داستان در چارچوب مدل پارادایمی و با ارائه نظریه زمینه‌ای، «پنداشت از انتخاب رشته به مثابه آفریننده سرمایه» دنبال می‌شود. در چنین رویکردی انسانها صرفاً صاحب مدارک و مدارج علمی نیستند، بلکه کسانی اند که باورها، ارزشها، هنجارها و مهارتهای زندگی و شغلی را در وجود خود درونی می‌سازند و هویتی متمایز در زندگی اجتماعی برای خویش رقم می‌زنند. سبک زندگی، فعالیت و مصرف فرهنگی افراد براساس انتخاب رشته مناسب و تحصیل برای این قبیل افراد مانند سرمایه‌ای است که در همه برهه‌های زندگی سبب تعالی و شکوفایی فرد می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات نویدی (۱۳۹۷) تلاش جهت راهنمایی دانش آموزان تا مرحله کسب صلاحیت، مقصود گردوان و عبدالمهی (۱۳۹۶) مبنی بر امکان دستیابی به شغل، خادم مسجدی و نوروزی (۱۳۹۵) اطلاع از فناوری و بازار کار، رضاپور و همکاران (۱۳۹۵) نقش استعداد و مطالعات فردی، معروفی و کرمی (۱۳۹۴) سبکهای یادگیری و انتخاب رشته، مرادی و اخوان تفتی (۱۳۹۲) نقش علائق آموزشی، نظری و همکاران (۱۳۸۹) جنسیت و تفاوت در انتخاب رشته، همایونی و همکاران (۱۳۸۵) نقش سبکهای یادگیری و شناختی در انتخاب رشته، راپوپورت و تیپو (۲۰۱۸) دستیابی به موقعیت اجتماعی، جوستینلی و پاونی (۲۰۱۷) نقش ارتباط والدین در رفع ابهام فرایند انتخاب رشته، چرنیکووا و پالیا (۲۰۱۴) آینده‌نگری تحصیلی و شغلی، پولات (۲۰۱۲) مشورت با والدین و متخصصان و واگنر و فرد (۲۰۰۹) اهمیت استطاعت مالی و کیفیت آموزشی در انتخاب رشته همخوانی دارد.

مقولات آینده‌نگری شغلی، الگوپذیری از گروههای مرجع و علائق آموزشی به منزله شرایط علی بر پدیده انتخاب رشته تأثیر بسیار دارند. «آینده‌نگری شغلی» گویای چالشهای پیش‌روی افراد انتخاب رشته کننده است. این پدیده که نیاز دوره جوانی است به دلیل شرایط اقتصادی دغدغه نوجوانان ۱۵ ساله ایرانی شده است. وجود بیکاری در سطح کشور حتی در میان فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی شرایطی فراهم کرده که خانواده‌ها، دانش آموزان و نظام آموزش و پرورش از ابتدای ورود به متوسطه دانش آموزان را به مسیری هدایت کنند که در آینده شرایط بهتری برای ورود به بازار کار داشته باشند.

مفاهیم ارزش اجتماعی شغل آینده، جذابیت شغل آینده، آینده شغلی رشته انتخابی، فرصت شغلی رشته مورد نظر، بازار کار در رشته انتخابی و درآمد شغل انتخابی آینده به خوبی ترجیحات شغلی را پوشش می‌دهند. «الگوپذیری از گروههای مرجع» بیانگر نقش الگوهای مرجع شامل دوستان، رسانه، معلمان و شخصیتها در انتخاب رشته نوجوانان است. «علائق آموزشی» نیز نشان‌دهنده تمایل به فضای مدرسه، معلم، رشته انتخابی و تحصیل است.

آینده‌نگری آموزشی، عقبه فرهنگی و پنداشت از توانمندی شخصی نیز به منزله شرایط زمینه‌ای در این پژوهش شناسایی شده‌اند. «آینده‌نگری آموزشی» نیز گویای توجه به ادامه تحصیل، سهولت محتوای کتابهای درسی در رشته انتخابی و کاربردی بودن رشته در جامعه و محیط زندگی است. «عقبه فرهنگی» بیانگر ذخیره‌های دانشی، مهارتها و صلاحیتهای فرد برای ادامه تحصیل و انتخاب رشته است. همچنین «پنداشت از توانمندی شخصی» گویای تواناییهای ذاتی و اکتسابی فرد برای ادامه تحصیل در رشته‌های گوناگون است. در نظریه بورديو نیز دانش‌آموزانی که از سرمایه فرهنگی بهتر و بیشتری برخوردارند، بهتر می‌توانند در قواعد بازی میدان آموزشی نقش داشته باشند، بنابراین به سهولت مدارج تحصیلی بالاتر و کاربردی‌تر را کسب می‌کنند. در نظام اندیشه‌ای بورديو کارکرد نظام آموزشی و مدرسه صرفاً انتقال دانش نیست بلکه حفظ و تداوم نابرابریهای موجود و در نتیجه بازتولید مجدد سرمایه فرهنگی و اجتماعی است که از طریق میدان آموزشی پدیدار می‌شود. در نظام آموزش و پرورش هدایت تحصیلی، فشار اجتماعی و استطاعت مالی به منزله شرایط مداخله‌گر به نوعی مانع انتخاب رشته براساس علائق و توانمندی افراد، شناسایی شده‌اند. مقوله «هدایت تحصیلی» بیانگر نقش هدایت تحصیلی در انتخاب رشته است. «فشار اجتماعی» گویای تحمیل عقیده والدین به فرزندان در انتخاب رشته است و آرزوهای محقق نشده تحصیلی والدین است که می‌خواهند از طریق فرزندان برآورده کنند. «استطاعت مالی» نیز گویای توانایی مالی خانواده‌ها در زمینه داشتن پشتوانه مالی برای تأمین هزینه دوران تحصیل به‌ویژه برای کلاسهای تقویتی و کنکوری است.

تاکنون پژوهشی جامع با موضوع انتخاب رشته انجام نشده است، بنابراین یافتن منابع مناسب برای پیشینه نظری و تجربی از محدودیتهای اصلی این پژوهش بوده است. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود: دانش‌آموزان در مورد انتخاب رشته به افراد متخصص و دانش‌آموزان سالهای بالاتر از خود مراجعه کنند و با آگاهی کامل، تحصیل در پایه دهم متوسطه را آغاز کنند. همچنین لازم است در برنامه هدایت تحصیلی به‌ویژه آزمونهای استعداد و رغبت‌سنج تجدیدنظر و ارزیابی صورت بگیرد، زیرا اجبار دانش‌آموز به تحصیل در رشته‌ای که علاقه و انگیزه لازم را برای تحصیل در آن ندارد، سبب سرخوردگی و نارضایتی دانش‌آموزان و هدر رفتن استعدادهای انسانی می‌شود. در این زمینه پیشنهاد می‌شود که آزمون هدایت تحصیلی در دو مرحله برگزار شود که مرحله اول بیشتر جنبه آشنایی و آزمایشی داشته باشد و آزمون مرحله دوم ملاک عمل قرار گیرد.

- ارجمند سیاهیوش، اسحاق؛ مقدس جعفری، محمدحسن و فریغلانی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شوش دانیال (ع). *فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۲ (۲)، ۲۰-۷.
- اشتراوس، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۰)
- امین‌بیدختی، علی‌اکبر و دارائی، اکرم (۱۳۹۰). بررسی علل گرایش کم دانش‌آموزان دختر مستعد به رشته علوم انسانی در دبیرستان‌های شهر سمنان. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۲ (۵)، ۲۸-۱.
- ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بی، اریل. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد ۱، ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۸)
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۵). *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۹۶)
- خادم مسجیدی، حمید و نوروزی، داریوش. (۱۳۹۵). نقش والدین و همکلاسی‌هایی که از فناوری اطلاعات و ارتباطات استفاده می‌کنند بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان (شهر دوشنبه تاجیکستان). *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۱۲ (۴۲)، ۴۱-۵۶.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، (سند مشهد مقدس). تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- رضاپور میرصالح، یاسر؛ شفایی، مریم و براتی، سمیه. (۱۳۹۵). بررسی وضعیت آگاهی، دسترسی و استفاده دانش‌آموزان از منابع اطلاعاتی مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره*، ۱۵ (۶۰)، ۶۰-۸۳.
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۱۹۸۳)
- سپیدنامه، بهروز؛ مؤمنی، حسن و سلیمان‌نژاد، محمد. (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی). *فصلنامه توسعه محلی*، ۸ (۱)، ۱۹۸-۱۶۷.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۸۹). *راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی*. تهران: انتشارات سمت.
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: کتابخانه فروردین.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۱). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۶)
- قلی‌زاده، آذر. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات محتشم.
- گرنفل، مایکل (۱۳۹۳). *مفاهیم کلیدی پیر بردیو*، ترجمه محمد مهدی لیبی. تهران: شرکت نشر نقد افکار. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی ۲۰۰۸)
- گلشن فومنی، محمدرسول. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: نشر شیفته.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*، جلد ۱. تهران: جامعه‌شناسان.

- _____ (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش، جلد ۲. تهران: جامعه‌شناسان.
- مرادی، انسیه و اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۹۲). بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، ۹ (۲۸)، ۱۲۱-۱۳۸.
- معروفی، یحیی و کرمی، زهره. (۱۳۹۴). سبک یادگیری به‌عنوان رویکردی برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی. *پژوهش‌های تربیتی*، (۳۰)، ۱۲۱-۱۳۷.
- معینی، محمدرفوف و نیازی، محسن. (۱۳۹۶). کاربرد نظریه زمینه‌ای در تحقیقات اجتماعی. تهران: انتشارات سخنوران.
- مقصودگردوان، امیر و عبدالحی، درخشان. (۱۳۹۶). چه رشته‌ای انتخاب می‌کنید و چرا؟: بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان. *نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی*، ۲۰ (۱)، ۵۷-۵۴.
- نظری، الناز؛ محمدی، فاطمه و حاتمی، حسین. (۱۳۸۹). ارائه راهبردهایی برای هدایت تحصیلی و شغلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سیرجان. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱ (۳)، ۱۱۷-۱۳۰.
- نویدی، احد. (۱۳۹۷). هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش ایران: تجارب عملی و چالش‌های پایدار. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۴ (۱)، ۹-۳۴.
- نیازی، محسن و صدوقی، مجید. (۱۳۹۱). روش تحقیق کیفی. تهران: انتشارات سخنوران.
- همایونی، علیرضا؛ کدیور، پروین و عبدالحی، محمدحسین. (۱۳۸۵). رابطه بین سبک‌های یادگیری، سبک‌های شناختی و انتخاب رشته تحصیلی در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۳ (۱۰)، ۱۳۷-۱۴۴.

- Bernstein, B. (1996). *Pedagogy, symbolic control and identity*. London. Taylor & Francis.
- Bourdieu, P. (1977). *Cultural reproduction and social reproduction*. Oxford University Press.
- Cernicova, M., & Palea, A. (2014). Measuring the students' perception chosen profession. Case study: PR students in western Romania. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 2825-2831.
- Demaine, J. (1981). *Contemporary theories in the sociology of education*. London: Palgrave Macmillan.
- Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2011). *The Sage handbook of qualitative research*. Sage.
- Giustinelli, P., & Pavoni, N. (2017). The evolution of awareness and belief ambiguity in the process of high school track choice. *Review of Economic Dynamics*, 25, 93-120.
- Gottlieb, F. M. (2006). *Humanistic leadership: Emotional intelligence and team learning*. [Dissertation Abstract D.M.]. University of Phoenix.
- Polat, S. (2012). The factors that students consider in university and department selection: A qualitative and quantitative study of Kocaeli University, Faculty of Education students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 47, 2140-2145.
- Rapoport, B., & Thibout, C. (2018). Why do boys and girls make different educational choices? The influence of expected earnings and test scores. *Economics of Education Review*, 62, 205-229.
- Tracy, S. J. (2013). *Qualitative research methods*. Wiley-Blackwell.
- Wagner, K., & Fard, P. Y. (2009). Factors influencing Malaysian students' intention to study at a higher educational institution. *E-Leader Kuala Lumpur*, 1-12.